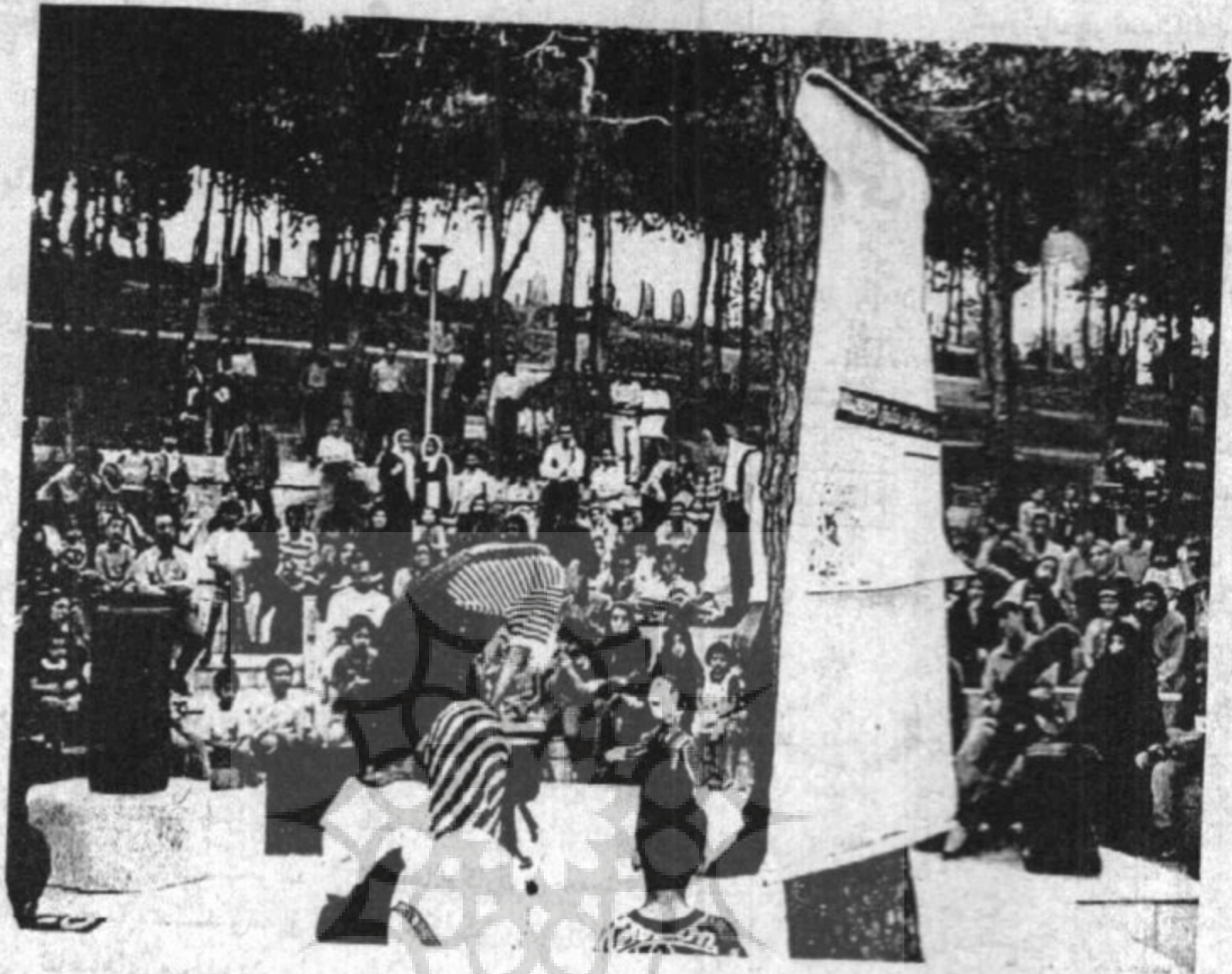


گزارشی از نمایش عروسکی کار کودکان



روز ۲۵ و ۲۶ شهریور ماه جاری، برخی از پارک‌های تهران، شاهد نمایش عروسکی بود که شاید برای بسیاری تازگی داشت. دفتر یونسف در تهران با هدف آگاهی‌بخشی عمومی در باره‌ی کار کودک و برانگیختن حساسیت آن‌ها نسبت به کودکان و فراهم آوردن زمینه‌ی تغییر نگرش در سن مردم، اقدام به اجرای نمایش عروسکی کرد.

پیشینه‌ی این نوع فعالیت‌ها به نگرش‌هایی بر می‌گردد که در آن، نمایش‌های عروسکی به عنوان شیوه‌ای از پیام‌رسانی - در سطح دیرینه‌ی یونسف بوده است. در ایران نیز از سال گذشته که در جشنواره‌ی عروسکی، نمایندگان از یونسف به عنوان هیأت داوران شرکت داشتند، زمینه‌های این فعالیت شکل گرفت. به طوری که تنها در شهریور ماه ۱۳۷۸، ۱۵ اجرا در مناطق مختلف تهران برگزار شد. خسانم نویان یکی از دست‌اندرکاران این نمایش‌ها اظهار دانست: «موضوع نمایش در ارتباط با کلیه‌ی مواد حقوق کودکان بوده و ضمن پرداختن به موارد منفی، به نکات مثبت نیز پرداخته خواهد شد.» این نمایش

عروسکی، داستان کودکی دوازده ساله به نام پویا را نقل می‌کرد که به دلیل بیماری پدرش، قصد داشت کار کند. کودک در ابتدای راه با قصه‌گوی شهر مواجه می‌شود که سعی دارد راهنمایی‌اش کند. اما در ادامه با دست‌اندازهای جدی روبه‌رو می‌شود. هرکسی سعی دارد، و به خودش اجازه می‌دهد از نا آگاهی و بی‌بناهی‌اش سوءاستفاده کند. کودک به سیگار فروشی، به آهنگری، به حقالی و خلاصه به هر جایی سر می‌زند، و در مس‌باند که هیچ‌کدام از کارها مناسب و شایسته‌ی او نیست. او به کار نیمه وقتی نیاز داشت که هم کمک خرجی برای خانواده‌اش باشد و هم درس‌اش را بخواند. سرانجام قهرمان نمایش عروسکی، با راهنمایی قصه‌گوی شهر به دوستی معرفی می‌شود که کارش کتاب‌فروشی است. او به کاری می‌پردازد که هم با روحیه‌ی لطیف‌اش همخوانی داشته دارد و هم از نظر جسمانی و روانی و اخلاقی برایش زیان‌آور نیست. در آخر نمایش، پویا شادمانه برای تماشاگران شعر می‌خواند.

نکته‌ی قابل توجه در نمایش، وجود تعداد

زیادی از کودکان در اطراف نمایش و کنجکاوی آن‌ها نسبت به سرنوشت کودکی بود که قصد داشت کار کند.

بازیگردان، گاه در خلال نمایش از کودکان اطراف می‌پرسید: آیا این کار برای پویا مناسب است؟ آیا پویا می‌تواند آهنگری کند؟ و کودکان با جدیت پاسخ منفی می‌دادند.

نکته‌ی دیگر آن بود که درست چند قدم آن طرف‌تر، صدای کودکی می‌آمد که بستنی و پفک می‌فروخت و دیگری که دیگران را به جای دعوت می‌کرد. تلافی تصویر واقعی جامعه با تصویری که یونسف در آن ساعت از کار کودک ارائه می‌کرد، برای بیننده جالب بود.

به نظر می‌رسد نمایش‌هایی از این دست، با توجه به مردمی بودن و امکان اجرا در همه‌ی مکان‌ها، اگر قوی‌تر اجرا شوند، و اگر با اطلاع‌رسانی بیش‌تری همراه باشد، می‌تواند در مبارزه‌ی برای محو کار کودک، به ویژه کارهای زیان‌آور مؤثر باشد و زمینه‌های توجه و آگاهی‌بخشی جامعه را نسبت به مسائل کودکان فراهم آورد.